

قصه‌های **با پدر و مادر** ۵

**چگونه سر پدر و مادر خود
را گول بمالیم؟**



پیت جانسون
تصویرگر: نیکالاس کتلو
مترجم: هدا توکلی



فصل ۱

یک چرت کوچولو

سه شنبه، ۲۵ فوریه

۴:۳۰ بعد از ظهر

می‌خواهم یک اعتراف درست و حسابی بکنم.

من، لویی، معروف به لویی خنده‌ساز، حدودهای ساعت ۳:۴۵ بعد از ظهر امروز گفتم: «آقا، من خیلی خیلی متأسفم و می‌خوام شخصاً داوطلب بشم واسه یه تنبیه اساسی. همین‌جا، همین الان.» از خودم خجالت کشیده بودم؟ بله! آن هم اساسی! اما چاره‌ای هم نداشتم. می‌دانی؟ توی وضع بدی گیر افتاده بودم. نه، واقعاً... فقط گوش بده بهم.